

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

عزیز نعیمی
۰۱ نومبر ۲۰۱۵

سکوت کفتار پیر و قوله شغالها

با مطالعه نوشته آموزنده و در عین حال کوبنده همکار عزیز پورتال، آقای استاد "پغمانی" متوجه گردیدم، که شخصی به نام "نبیل عزیزی" که نه تنها هیچ معرفتی با ایشان ندارم بلکه در تمام نوشته هایم حتا نامی نیز از ایشان نبرده ام، وقتی چشم پت نموده و دهن باز، حین دفاع از سالار دروغپردازان جاسوس مادر زاد "هاشمیان"، پارچه سنگی به استقامت من نیز پرتاب نموده است.

این قوله کشی ها در بطن سکوت مرگ شخص "هاشمیان"، نشان می دهد که ضربات قبلی این قلم به خصوص آنچه را از صحبت های پوهاند "ج" خدمت خوانندگان عزیز پورتال تقدیم داشتم، آنقدر کوبنده و مؤثر بوده که سالار دروغپردازان ناگزیر به سکوت شده و از حواریونش به مثابه شغالی چند استمداد جسته است تا مگر شخص خودش را از مرکز حملات کنار بکشد.

شغال بچه جدید "هاشمیان" در بندی که استاد "پغمانی" آن را نقل نموده، با یک عالم چرند که به نحوی خود را زیر لبت انداختن و ماسوخسیم را مانند است و استاد "پغمانی" هم به حق، جل و پوستکش را از آب کشیده است، از موجودیت عینی این قلم نیز انکار و من را نیز شامل مستعار نویسان نموده، خواسته است بدان وسیله افشاء گری هایم را به نحوی بی تأثیر جلوه دهد.

آقای "عزیزی"!

استاد "پغمانی" با نشر عکس محل کارت و با تذکر امتناعش از دست دادن با تو و با استمداد از یکی از صنفی های قدیمش، تلاش نمود تا از واقعیت وجودی اش دفاع نماید، این که آن تلاش تا چه اندازه مؤثر بوده با تأسف اطلاع ندارم، مگر من لنگ نه پای آن را دارم تا شما را در کنار چنان قصری زیارت نموده، با بولانی های خوشمزه تان خود را از "سال قحط" کشور نجات دهم و نه هم می دانم که چه کسی از صنفی هایم با شما از نزدیک آشنائی دارد، تا از ایشان مدد بخواهم، در نتیجه ضمن آن که جهت اثبات موجودیت عینی خود، از شما می خواهم که لطف نموده سری به آرشیفم در همین پورتال بزنید و نوشته هایم را با یک تن از سبک شناسان ماهر تان، تحلیل نموده، هویت مستقلم را دریابید، چند طریق دیگر نیز می تواند شما را اگر واقعاً خواسته باشید، مطمئن شوید که "واقعیت دارم و اسم مستعار نیستم"، در تثبیت هویتم کمک نماید.

۱- با آنچه استاد "پغمانی" از شما و از "سایتک بخش دری استخبارات المان" نگاشتند، لازم به این نیست که شما را نزد این و آن روان بدارم، فقط کافیسیت از طریق "مستری های کمپیوتر" تان و دستان دراز استخبارات المان در افغانستان، رد ایمیل هایم را برای پورتال "افغانستان آزاد-آزاد افغانستان" گرفته، با تشخیص "آی. پی" آدرسم، به صورت مستقیم تا پشت دروازه دکان آمده، با دیدن لنگ لنگم، شک و شبهه ات را برطرف نمائی.

۲- شما که خوشبختانه "سایت گمنام" نیستید و به فکر خودتان شما را همه کس شناخته، شهره خاص و عام هستیید- در این ادعا دروغ نمی گوئید واقعاً در میهن فروشی از چنان شهرتی برخوردار هستیید، حال فرض را بر آن قرار می دهیم که کس و یا کسانی در پوهنخی علوم نیز با شما آشنائی دارند، بر همین فرض می توانید آن کس را به شعبه "ریاضی- فزیک" همان پوهنخی فرستاده، از کسانی که حد اقل سابقه تدریس بیش از ده سال داشته باشند، راجع به "عزیز نعیمی" با پرسوند "لنگ" سؤال نمائید، مطمئن باشید دست تان خالی نمانده، هر آن چیزی را که راجع به من بدانند برایتان خواهند گفت. اگر آنها به شما توصیه کردند که با وی خود را نزن که چنین است و یا چنان، باور نکنید چون تبلیغ دشمنان در همه جا وجود دارد، نه کسی را تا حال خورده ام و نه هم کسی را زده ام، زیرا بار ها گفته ام که از لحاظ جسمانی چیزی بیشتر از نیم آدم استم.

۳- اگر کس و یا کسانی را از کوچه سراجی می شناسید، می توانید نزد وی مراجعه نموده از وی راجع به معلم "نعیم" دکاندار و پسر لنگش، "عزیز" سؤال نمائید، مطمئن باشید اگر از وضعیت امروز مطلع نباشند، راجع به گذشته ام که اثبات وجودم را می نماید، دست تان را خالی نخواهند گذاشت.

۴- اگر هیچ یک از آن نکاتی که در بالا نوشتم، برایت مقدور نباشد، هر زمانی که توانستی به کابل بیایی، در حق من هم یک لطف نموده، به صورت مستقیم در حصه دوم خیرخانه آمده، در ایستگاه خشت "هوختیف" از موتر پائین شده، از هرکس که دکان معلم لنگ را بپرسی، تو را دست گرفته تا نزد من خواهد آورد، فراموش نکنی طرز لباس "جیمز باندی" نباشد ورنه این خطر وجود دارد که از همان جا تو را برداشته، غوره دیدن رنگ آسمان را به دلت بگذارند. از تمام اینها گذشته:

این که من که هستم و اسمم چیست، مستعار است و یا اصل، هیچ دردی دوا نمی گردد، چرا خود را با مدعی مصروف ساخته، از پاسخ به مدعا فرار می کنید؟

شغال خصلت، به عوض این که می خواهی مردم را دنبال نخود سیاه اسم مستعار بفرستی، چرا از سالار دروغپردازان نمی پرسی که آیا در گفته های پوهاند "ج" کدام غلطی و جود داشت و یا خیر؟

آقای "عزیزی"!

باور کن همان طور که تا دیروز تو را نمی شناختم تا چیزی علیه تو بنگارم، هیچ تمایلی ندارم تا در آینده نیز با تو آشنائی حاصل کنم، زیرا بعد از این همه سال با آموختن و تجربه دریافته ام، که صحبت نادان اره عمر است.